

# سیر فریبناک ایران در قرن اول دوم هجری و تأثیر آن تمدن اسلام

علی سامی

بندگان خدا بشمار میرفتند و در پست‌ترین محیط تمدن زندگی میکردند. درگمراه‌ترین و تاریکترین راههای حضارت با شکم گرسنه و بدن خشک‌شده، میزیستند، و پیوسته تحت فشار دو کشور بزرگ و متمدن ایران و روم واقع بودند و زیر سرپرستی آنان روزگاری را بسر میبردند، و چون در کشورشان چیزی که حالب باشد یافت نمیشد، از دستبرد مستقیم این دو کشور آسوده‌خاطر بودند. چه اهالی با بدترین وضعی اعاشه مینمودند. میتوان گفت که خورده میشدند و چیزی برای خوردن نمی‌یافتند. تا اینکه خدای عز و جل بر آنان رحمت آورد و اسلام بر آنها عرضه کرد و بکتاب و سنت آشنایشان نمود، تا از پرتو اسلام بر آنان جهاد حلال شد و بممالک اطراف شتافتند و از موهبت الهی و همت قرآن برملوک جهان دست یافتند و بر سراسر عالم حکمرانی کردند.

## سده یکم هجری

سده یکم هجری بجنک و پیکار و کشورگشایی و کشمکشهای خلفا و سرداران عرب برای کسب قدرت و رهبری خلافت گذشت و کشورهای متمدن گشوده شدند بواسطه هجوم تازیان و مسلمانان و در اثر پیکار و بهم خوردگی و دگرگونی، فرصت سیر طبیعی و پیش برد مراحل فرهنگی را از دست دادند و کسی مجال غور و بررسی در علوم و فنون را پیدا نکرد و در نتیجه این قرن از لحاظ دانش و هنر موقعیت درخشانی ندارد و آثاری هم از خود بجا نگذاشته است. تازیان با زبان و خط و کتاب و کتابخانه‌های ایران مخالف و از هرگونه رفتار شدیدی در بر انداختن آنها فروگذار نکردند. قتیب‌بن مسلم سردار عرب

اعراب جاهلیت تا پیش از آنکه دین مبین اسلام بر آنها پرتو افکن گردد، مردمانی بودند بی بهره از دانش و پیش و دور از فرهنگ و هنر چشمگیر. اسلام در آغاز پیدایش مزایای اخلاقی فراوانی بآنها بخشید و سپس از یرکت گسترش این دین، به گنجینه‌های دانش و هنر کشورهایی که دست نشاندۀ اسلام گردیدند، دست یافتند و از چشمه فیاض تمدن و فرهنگ این کشورها بویژه ایران و روم سیراب گردیدند. از گردآوری و آمیزش این فرهنگها يك تمدن عظیمی بوجود آمد که به تمدن اسلامی مشهور گردید.

ملل و اقوام گوناگونی هم که دولت بزرگ اسلامی را تشکیل دادند، در اثر برخورد و آمیزش و معاشرت با یکدیگر، آراء و اندیشه‌های نوی پیدا کردند که تأثیر بس مهمی در وضع تمدن جهانی پدید آورد و سبب شد که فرهنگ بشری با سرعت بیشتری پیش رود. افکار و عقاید و دانش و پیش ایران و روم و مصر و اندلس و کشورهای دیگری که زیر پرچم اسلام گرد آمده بودند، پایه و اساس تمدن اسلامی را گذازد و این اساس استوار چون رو بگسترش گذارد، قرن‌ها تمدن جهان را رهبری کرد و بتدریج از راه اسپانیا و بعدها یعنی پس از جنگهای صلیبی و اختلاط و آمد و شد باخترزمین از راه آسیای غربی و روم شرقی با خاورزمین، در اروپا نفوذ کرد و پایه و مایه تمدن باخترزمین و آن قاره گردید و در حقیقت یکی از عوامل عهد نوزائی (رنسانس) شد.

محمد جریر طبری مورخ عالیقدر قرن سوم هجری در جلد چهارم تفسیر درباره پیشینه و سلسله پائین فرهنگ تازیان جاهلیت نوشته است:

« . . . . در اصل مردمانی بودند که از زبون‌ترین

در خوارزم دانشمندان را از دم شمشیر گذرانید و کتابها را سوزانید و مردم امی و بی‌سواد را مصونیت داد.

با اینهمه مدارس و مراکز پزشکی ایران و روم مانند گندیشاپور و اسکندریه که بزرگترین و برترین مراکز علمی و فرهنگی دوران پیش از اسلام بود، مانند پیش دایر، و خلفای اموی نظر به نیازی که به پزشکان داشتند، از این دو مرکز استفاده میکردند. رویهمرفته در زمان امویان دانش و هنر در کشورهای تابعه اسلام و همچنین در دربار آنها پیشرفت چشمگیری نکرد. مهمترین کار علمی و هنری زمان ایشان ضرب سکه و تنظیم دفتر محاسبات و دیوان و برگرداندن آن از فارسی عبری در زمان عبدالملک توسط صالح بن عبدالرحمن و جلب پزشکان بیمارستان گندیشاپور و یا چند پزشک و دانشمند رومی و توجه به موسیقی ایرانی و ترجمه تعدادی از کتابهای ایرانی و یونانی و مصری عبری بود.

بین خاندان بنی‌امیه (۴۱ تا ۱۳۲ هـ. ق) خالد پسر یزید بن معاویه متوفی ۸۵ هـ مردی دانش‌پرور و دانش‌پژوه بود و بطوریکه نوشته‌اند بفر گرفتن دانش پزشکی و شیمی علاقه و رغبت داشته و از همین جهت او را حکیم آل‌مروان نامیده‌اند. او توسط دانشمندان و مترجمان یونانی مقداری کتاب علمی و فلسفی یونان و مصر را بزبان عربی برگردانید که بعدها در دوران خلافت عباسیان این امر بکمک دانشمندان ایرانی و یونانی به برترین پایه خود رسید.

ابن‌الندیم کتاب «الحرارة» و «صحيفة الكبير» و «صحيفة الصغير» را از تألیفات این خلیفه نوشته و بطوریکه مورخان عالیتدیر اسلامی نوشته‌اند، شالوده بنیاد یک کتابخانه، در اوائل عهد اسلامی و زمان همین خلیفه گذارده شد. دانشمندان در این عهد گاهی خارج از تعصب دینی و نژادی مورد احترام بودند و حوزه‌های درسی داشتند، مانند حسن بصری، محمد بن سیرین، عطاء بن یسار که از موالی بودند و هنگامی که حسن بصری درگذشت، تمام مردم شهر در مراسم تشییع جنازه او شرکت کردند و در مسجد حائمی برای نماز خواندن باقی‌نمانده بود.

هشام بن عبدالملک (۱۰۵ تا ۱۲۵ هـ. ق) نیز از خلفای بزرگ و دانش‌پرور اموی بود. او هم مانند خالد پیش از سایر امویان به ترجمه کتابهای علمی و تاریخی بزبان عربی اشتیاق داشت و دستور داده بود از کتابهای پهلوی هر مقدار باقی‌مانده مخصوصاً کتابهایی که شرح حال تمام پادشاهان در آن بتضمین ضبط گردیده بود، عبری ترجمه کنند. خالد بن عبدالله را بحکومت عراق منصوب ساخت تا دور از تعصب مذهبی در این مورد اقدام کند و جبلة پسر ابوالعلاء سالم بن عبدالعزیز سردبیر دستگاه خلافت که بزبان فارسی آشنا بود، کتابهای زیادی از پهلوی عبری برگردانید و همین امر سبب شد که دیگران هم

بدان تاسی‌جویند و کتابهای علمی از زبانهای گوناگون بزبان عربی برگردانده شود.

فن تاریخ‌نویسی از نیمه سده اول هجری در عصر اسلامی آغاز شد و نخستین خلیفه که باین فن رغبت و اظهار تمایل کرد معاویه ابن‌سفیان بود که «عیب‌بن شریه الجثره‌می» متوفی حدود سال ۷۰ هجری، اطلاعاتی از تاریخ و اخبار عرب در اختیار آن خلیفه گذارد و او دستور داد، آن روایات را گرد آورند و بصورت کتاب درآورند. دو کتاب از این مورخ بجا مانده، یکی «کتاب الامثال» حدود پنجاه برگ و دیگری چند جزو کتاب «الملوک و الاخبار المأمنین» میباشد. از همین زمان بود که به ضبط وقایع عمده و ثبت روایات و حدیث‌ها اقدام شد.

پیش از این شخص «کعب بن ماتع الخیمری ابواسحاق» معروف به «کعب الاخبار» متوفی سال ۳۴ هـ بود. وی از دانشمندان و مورخان یهود بود که در زمان خلافت ابوبکر مسلمان شد و زمان عمر بمدینه آمد و از آنجا بنام رفت و در شهر حصص بمرد.

## سده دوم هجری:

«محمد بن اسحق یسار» متوفی سال ۱۵۲ هـ و «ابومخنف الازدی» متوفی ۱۵۷ هـ دو تن از تاریخ‌نویسان مشهور این قرن میباشند. محمد بن اسحق بن یسار المظلی المدنی همان کسی است که کتاب سیر او را «ابن هشام» متوفی ۲۱۸ هـ مختصر کرد و فعلاً در دست میباشد. دومی لوط بن یحیی بن مخنف بن سلیمان الازدی، عالم علم سیر و اخبار، از اهل کوفه و شیعه مذهب که کتابهای «فتوح الشام» و «فتوح العراق» و «جنگهای جمل» و «صفین» و «نهر و ان» و «الغازات» و «مقتل علی علیه السلام» و «مقتل حجر بن عدی» و «محمد بن ابی‌بکر» و «مالک اشتر» و «مقتل عثمان» و «مقتل امام حسین علیه السلام» و کتاب «معاویه» و «یزید» و «پسر زبیر» و «مختار ابن ابی‌عبید» و وقایع تا زمان هشام و خلافت ولید را نوشت.

«محمد بن السائب کلبی» متوفی ۱۴۶ هـ عالم بعلوم انساب و تفسیر و اخبار و «عوانة بن الحکم» متوفی ۱۴۷ هـ مؤلف کتابی در تاریخ بنی‌امیه و «سیف بن عمر الاسدی التمیمی» متوفی ۱۷۰ هـ مؤلف «کتاب الفتوح الکبیر الردم و الجمیل» و هشام بن محمد بن السائب بن بشر الکلبی متوفی ۲۰۶ هـ نویسنده

- ۱- ابن‌خلکان جلد دوم صفحه ۴۰۸.
- ۲- صفحه ۱۳۳ کتاب الفهرست ابن‌الندیم.
- ۳- سبک‌شناسی جلد اول تألیف ملک‌الشمراء بهار صفحه ۱۵۹.

کتابهای «اخبارالاول و ایام العرب» و «اخبار اسلام» و چند کتاب دیگر از تاریخ‌نویسان معروف دیگر سده دوم هجری میباشند.

از اواسط این قرن که دوران خلافت عباسیان شروع میشود ترجمه کتابهای علمی و تاریخی ایرانی و رومی و یونانی و هندی و مصری بزبان عربی وارد مرحله جدی‌تری میشود. از تاریخ‌نویسان مشهور عصر عباسیان در نیمه آخر قرن دوم هجری «ابوالحسن علی بن المدائنی» (۱۳۵ تا ۲۱۵ هـ) که پیش از «محمد جریر طبری» کتاب تاریخی درباره فتح‌ها و جنگ‌ها و مفاخر عجم و عرب نوشت، و «محمد بن عمر الواقفی» (۱۳۰ تا ۲۰۷ هـ) و «هیشم بن عدی» متوفی ۲۰۷ هـ که کتابی درباره تاریخ عجم و کتابی هم بنام «اخبارالفرس» نوشته است. المدائنی مورخ حوادث خراسان و پارس و هند و الواقفی مورخ تاریخ حجاز و سیرت حضرت پیغمبر (ص) بود.<sup>۴</sup>

از فقهای بزرگ این قرن که ایرانی یا از موالی بودند: «ابوحنیفه نعمان بن ثابت بن زوطی» (۸۰ تا ۱۵۰ هـ) که اصلاً ایرانی بود و مالک بن انس که بعضی آنرا از موالی دانسته‌اند. نهضت فرهنگی و علمی و ساختمانی که بهمت و مساعی دانشمندان و هنرمندان ایرانی در مراکز اسلامی بوجود آمده بود، در نیمه دوم این قرن و پس از برانداختن دستگاه خلافت امویان و روی کار آوردن عباسیان، مؤثرتر و نافذتر گردید و در حقیقت تمدن باستانی و پرورش یافته ایران باستانی، در لباس تمدن اسلامی نمودار گردید و دانشمندان و سیاستمداران این سرزمین کهنسال، در گردانیدن فرهنگ اسلامی نقش مهم و بزرگی ایفا کردند.

درباره این موضوع که آیا تمدن اسلامی مختلط از تمدن ایرانی و رومی و یونانی و مصری است و یا اینکه سهم و رنگ رومی و ایرانی بیشتر است، آراء گوناگونی ابراز گردیده، ولی اکثر آسهم اساسی و عمده ایران را در فرهنگ و هنر اسلامی نادیده نگرفته و بدان توجه خاصی معطوف داشته‌اند و معتقدند همانطور که فرهنگ یونان و سیله‌ای برای انتقال اندیشه‌های مسیحیت در اروپا گردید، تمدن ایرانی نیز برای اسلام بصورت چنین وسیله و قوه عامله‌ای درآمد.

ابن‌خلدون نوشته است: «از امور غریب یکی اینست که عاملان علم در اسلام، اغلب از عجم بوده‌اند، خواه در علوم شرعی و خواه در علوم عقلی، و اگر در میان آنها مردمی در نسبت عرب بود، در زبان و محل تربیت و پرورش از عجم

شمرده میشد.

تأثیر علوم و فنون ایرانی در فرهنگ اسلامی از لحاظ حکمت و فلسفه و پزشکی و نجوم و هیئت و ریاضی و موسیقی و تدوین صرف و نحو زبان عربی و تفسیر و علم کلام و امثال اینها هر کدام موضوع مقاله‌ها و کتابهای متعددی میباشد که بطور خلاصه فهرست‌وار بدانها اشاره مینماید.

ایران‌شناس عالیقدر فقید پرفسور ادوارد براون مینویسد:<sup>۵</sup> «راست است که ایران از جهت سیاسی چندی از موجودیت مستقل ملی خود بهره‌مند نگشت و در امپراطوری بزرگ اسلام که از جبل الطارق تا رود سیحون امتداد داشت غرق شد، لکن در رشته علم و معرفت بزودی سیادت و تفوق خود را ثابت کرد. باید دانست که ملت ایران با آن لیاقت و مهارت و ظرافت و لطافت روح، درخور برتری بوده است. اگر از علوم که عموماً باسم عرب معروف است، اعم از تفسیر و حدیث و الهیات و فلسفه و طب و لغت و تاریخ و تراجم احوال و حتی صرف و نحو زبان عربی آنچه را که ایرانیان در این مباحث نوشته‌اند، مجزا کنند بهترین قسمت آن علوم از میان میرود. تازیان حتی بیشتر تشکیلات دولتی خود را به تقلید از ایرانیان ترتیب دادند.»<sup>۶</sup> «اعراب خاورشناس شهر روسی و. بارتلد نوشته است:<sup>۷</sup> «اعراب در بسیاری از امور تقلید ایران پیش از اسلام نموده‌اند و از خدمات خدمتگزاران ایرانی‌الاصل استفاده میکردند. کلماتی که به سلیمان خلیفه نسبت میدهند معروف است که گفته: مرا شکفت آید از ایرانیان که هزار سال سلطنت کردند و ساعتی محتاج ما نشدند. و حال آنکه ما صد سال سلطنت کردیم و یک ساعت نتوانستیم بدون آنها بسر ببریم. در جای دیگر کلماتی یکی از بزرگان ایران نسبت میدهند که بامیر خراسان که عرب بود خطاب کرده میگوید: ما ایرانیان در پرتو حزم و خرد و رفتار شایسته، چهارصد سال تمام از دنیا خراج گرفتیم و حال آنکه نه کتاب فصیح و مقدسی داشته‌ایم و نه رسولی که فرستاده خدا باشد.»<sup>۸</sup>

۴ - صفحه ۱۳۷ کتاب الفهرست.

۵ - موالی اسپران و بردگانی بودند که تازیان از ایران و سایر کشورهای گنوده شده با خود میبردند و بین مردم و قبائل تقسیم میکردند.

۶ - تاریخ ادبی ایران تألیف ادوارد براون، ترجمه آقای علی‌یاسنا صالح، چاپ تهران ۱۳۳۳. صفحه ۳۰۲، جلد اول.

۷ - صفحه ۴۱ کتاب جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور.